بسم الله الرحمن الرحیم[[1]](#footnote-1)

در تنبيه دوم از تنبيهات دوران امر بين متباينين وارد مطلب دوم شديم كه آيا نيازي به تعيين ضابطه براي شبهه‌ی غير محصوره هست يا خير؟

گفتيم اگر در موضوع آيات يا رواياتی معاقد اجماع يا معاقد سيره عقلاء‌ و سيره متشرعه يا حكم عقل، عنوان شبهه غير محصوره آمد ما اين موضوع را بايد بررسي و تحليل كنيم. نسبت به معاقد اجماعات اشاره کردیم این عنوان وارد نشده. نسبت به روایات بعضی محققان فرموده‌اند در روایات این عنوان آمده است ما روایات را باید بررسی کنیم و دو نکته را توجه کنیم :

**نکته اول:** آیا عنوان شبهه محصوره در روایات آمده یا نه؟

**نکته دوم:** آیا این روایات دلالت دارد بر اینکه در شبهه غیر محصوره احتیاط لازم نیست؟

دو روایت که به آنها تمسک شده برای عدم وجوب احتیاط در شبهه غیر محصوره را بررسی می‌کنیم:

**روایت اول:** باب 61 ابواب اطعمه مباحه حدیث 5 عن أبی الجارود قال سألت أبا جعفر علیه السلام عن الجبن فقلت له اخبرنی من رأی أنه یُجعل فیه المیته فقال من اجل مکان واحد یجعل فیه المیتة حُرّم ما فی جمیع الأرضین إذا علمت أنه میتة فلا تأکله و إن لم تعلم فاشتر و بع و کل و الله انی لأعترض السوق فأشتری بها اللحم و السمن و الجبن و الله ما أظن کلّهم یسمون هذا البرر و السودان[[2]](#footnote-2).

راوی در این روایت یک سؤال می‌کند و حضرت با دو فراز جوابش را می‌دهند. سؤال راوی این است که کسی به من خبر داده که دیده در پنیر درست کردن با شیر ،از مایه میته و نجس استفاده می‌کنند آیا من پنیر بخرم و استفاده کنیم یا نه؟ حضرت در دو فراز جواب می‌دهند که به هر دو فراز استدلال شده برای عدم وجوب احتیاط در شبهه غیر محصوره:

فراز اول: حضرت فرمودند آیا اگر در یک جا با پنیر مایه نجس پنیر درست کردند، پنیرهای همه دنیا حرام است، اگر می‌دانی میته است نخور، اگر نمی‌دانی بخر و استفاده کن.

مرحوم امام در معتمد الأصول ج2، ص134 می‌فرمایند دلالت این فراز بر عدم وجوب اجتناب در شبهه غیر محصوره واضح و روشن است و نیاز به توضیح ندارد[[3]](#footnote-3)، گویا راوی می‌گوید مثلا عدل واحد به من خبر داد که بعضی پنیرها را با پنیر مایه نجس پنیر می‌سازند، پس علم اجمالی دارم که بعضی پنیرها نجس است، پنیر فروشی هم که زیاد است، می‌شود شبهه غیر محصوره. حضرت می‌فرمایند لازم نیست اجتناب کنی تا علم تفصیلی ندارید بنا بگذار بر حلال بودن و پاک بودن پنیر. پس در شبهه غیر محصوره امام علیه السلام می‌فرمایند احتیاط واجب نیست و تا علم تفصیلی نداری می‌توانی مرتکب شوی.

**عرض می‌کنیم:** این فراز از روایت در دلالتش بر عدم وجوب احتیاط در شبهه غیر محصوره مورد تأمل جدی است زیرا:

**اولا:** ممکن است کسی بگوید روایت ربطی به اطراف علم اجمالی ندارد راوی می‌گوید: کسی به من خبر داد که فردی از مایه میته برای ساخت پنیر استفاده می‌کند حضرت می‌فرمایند یک نفر این کار را کرده چه ارتباطی به دیگران دارد، شما شک بدوی دارید، تا علم تفصیلی پیدا نکردی می‌توانی از پنیر استفاده کنی و اصالة الطهارة و الحلیه در شبهات بدویه است نه علم اجمالی.

**ثانیا:** فرض کنید جوری تصویر کنیم که مورد سؤآل مصداق علم اجمالی باشد، ما در آینده در یکی از تنبیهات خواهیم گفت اگر برخی از اطراف علم اجمالی از ابتلاء‌ی من خارج باشد ،علم اجمالی منجز نیست و آن محل ابتلاء را می‌توان مرتکب شد در شبهه تحرمیه چه شبهه محصوره باشد و چه غیر محصوره باشد، اگر مورد سؤال از اطراف علم اجمالی هم باشد، حضرت پاسخشان این است که چون بعض اطراف مورد ابتلاء نیست علم اجمالی منجز نیست، چه ارتباطی به شبهه غیر محصوره دارد؟ قرینه بر این معنا یک جمله از روایت شریف است که أمن أجل مکان واحد یجعل فیه المیته حرّم ما فی جمیع الأرضین؟ همه پنیرهای دنیا که محل ابتلاء مکلف نیست، لذا به جهت خروج از محل ابتلاء علم اجمالی منجز نیست.

پس دقت کنید این فراز از روایت نه نامی از شبهه غیر محصوره در آن برده شده و جواب امام هم معلوم نیست مربوط به عنوان شبهه غیر محصوره باشد.

جمعی از محققان از جمله بعض اساتید ما در مسجد اعظم حفظه الله به فراز دوم روایت استدلال کرده‌اند برای ترخیص در اطراف علم اجمالی در شبهه غیر محصوره. حضرت می‌فرمایند و الله انی لأعترض السوق فأشتری بها اللحم و السمن و الجبن و الله ما أظن کلّهم یسمون هذا البرر و السودان.

گویا بعض اساتید ما روایت را این‌گونه معنا کرده اند که حضرت می‌فرمایند من وارد این بازار می‌شوم گوشت می‌خرم و می‌دانم افرادی هستند عند الذبح تسمیه نمی‌گویند مع ذلک از همین بازار من گوشت می‌خرم، فرض این است که این سوق هم محل ابتلاء است شبهه غیر محصوره و محل ابتلاء حضرت حکم به عدم اجتناب می‌کنند لذا ذیل دلالت دارد که در اطراف شبهه غیر محصوره رخصت است.

عرض می‌کنیم : در دلالت زیل بر رخصت در اطراف شبهه غیر محصوره به نظر ما تأمل جدی است. حضرت در تصویر مسأله اگر می‌فرمودند من وارد بازار می‌شوم و گوشت و روغن و پنیر می‌خرم و می‌دانم بعضهم لایسمّون، این می‌شد علم اجمالی، یعنی علم اجمالی دارم بین اینان کسانی هستند که تسمیه نمی‌گوید مع ذلک گوشت می‌خرم، این توضیح کاملا دال بر برداشت استاد ما و بعض محققان است لکن عبارت حضرت این است که و الله ما أظن کلّهم یسمّون، من گمان نمی‌کنم تک تک اینها تسمیه کنند یعنی این گوشتی که می‌خرم نمی‌دانم ذابح آن تسمیه کرده یا نه؟ این می‌شود شک بدوی و قاعده سوق المسلمین. اگر شک داشتی گوشتی را که می‌خری، ذابح شرائط را رعایت کرده یا نه چون سوق المسلمین است اشکال ندارد.

پس در کلام حضرت فرض وجود علم اجمالی بر عدم التسمیه نشده است بلکه حضرت می‌فرمایند گمان نمی‌کنم همه اینها تسمیه کنند یعنی معنایش این است که نسبت به این گوشت نمی‌دانم تسمیه کرده یا نه.

پس به نظر ما ذیل روایت هم دال بر عدم وجوب اجتناب در شبهه محصوره نیست، بلکه دلالت می‌کند علم تفصیل به تسمیه در ذبح لازم نیست.

**روایت دوم:** را مطالعه کنید باب 152 از ابواب ما یکتسب به حدیث 5 معتبره ابی عبیده عن ابی جعفر علیه السلام.

ضمنا دوستان روایت اول را هم بررسی کنند از نظر سند آیا روایت ابی الجارود سندا قابل اعتماد است یا خیر؟

1. . جلسه بیست و چهارم –‌‌‌ مسلسل 142، شنبه – 17/8/1399. [↑](#footnote-ref-1)
2. . وسائل الشيعة؛ ج‌25، ص: 119: وَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنِ الْجُبُنِّ- فَقُلْتُ لَهُ أَخْبَرَنِي مَنْ رَأَى أَنَّهُ يُجْعَلُ فِيهِ الْمَيْتَةُ- فَقَالَ أَ مِنْ أَجْلِ مَكَانٍ وَاحِدٍ يُجْعَلُ فِيهِ الْمَيْتَةُ- حُرِّمَ فِي جَمِيعِ الْأَرَضِينَ- إِذَا عَلِمْتَ أَنَّهُ مَيْتَةٌ فَلَا تَأْكُلْهُ «3»- وَ إِنْ لَمْ تَعْلَمْ فَاشْتَرِ وَ بِعْ وَ كُلْ- وَ اللَّهِ إِنِّي لَأَعْتَرِضُ السُّوقَ- فَأَشْتَرِي بِهَا اللَّحْمَ وَ السَّمْنَ وَ الْجُبُنَّ- وَ اللَّهِ مَا أَظُنُّ كُلَّهُمْ يُسَمُّونَ هَذِهِ الْبَرْبَرُ وَ هَذِهِ السُّودَانُ. [↑](#footnote-ref-2)
3. . معتمد الأصول ؛ ج‏2 ؛ ص134: و ما ادّعاه الشيخ قدس سره في الرسالة من أنّ المراد أنّ جعل الميتة في الجبن في مكان واحد لا يوجب الاجتناب عن جبن غيره من الأماكن، و لا كلام في ذلك، لا أنّه لا يوجب الاجتناب عن كلّ جبن يحتمل أن يكون من ذلك المكان، فلا دخل له بالمدّعي‏ فيه نظر واضح؛ لأنّ الحكم بعدم وجوب الاجتناب عن الجبن في مكان مع العلم بعدم كونه من الأمكنة التي توضع فيها الميتة في الجبن ممّا لا ينبغي أن يصدر من الإمام عليه السلام، و لا أن يقع مورداً للشكّ، كما هو واضح. بل الظاهر أنّ المراد أنّ مجرّد احتمال كون الجبن موضوعاً فيه الميتة و أنّه من الجبن المنقولة من الأمكنة التي يوضع فيها الميتة في الجبن لا يوجب الاجتناب عن كلّ جبن، و هذا هو المطلوب في باب الشبهة الغير المحصورة [↑](#footnote-ref-3)